



شهرداری منطقه چه می گوید؟

پیر و این مصاحبه، با دیگر کسبه منطقه نیز گفت و گو کردیم و دو بحث مطرح شده یعنی نوسازی و عقب نشینی ورودی پنج تن و یک طرفه شدن این خیابان را با مسئولان شهرداری در میان گذاشتیم. خلاصه گفت و گو با محمود تجرگی، مسئول روابط عمومی شهرداری منطقه ۴، درباره دو موضوع یاد شده به تفکیک این گونه است:

ورودی منطقه پنج تن باید نوسازی شود و طرح های جدیدی برای آن مصوب شده است اما کمبود بودجه در سال جاری این اجازه را به شهرداری نمی دهد که پروژه ای را در این محدوده شهری شروع کند. پس از تامین بودجه و قرار گرفتن در اولویت ها حتما روند نوسازی منطقه آغاز خواهد شد.

ورودی پنج تن به علت ترافیک زیادی که پیدا کرده است، باید یک طرفه اعلام شود. پیشینه این طرح، مصوب سازمان ترافیک مشهد بوده و شهرداری منطقه تنها به عنوان بخش اجرایی به مسئله ورود کرده است. شهرداری کارهای مقدماتی این طرح در بخش آیلندسازی و آسفالت در بولوار پنج تن و دیگر موارد لازم را انجام داده است. طرح یک طرفه شدن ورودی در یک نوبت ضمن اعلام عمومی انجام شده بود و حتی خیابان با ناظر ۴۲ به عنوان خروجی صدمتری شناسایی و در نظر گرفته شد، با تمام این ها شهروندان و کسبه با یک طرفه کردن ورودی پنج تن مخالفت کردند و مسئله کماکان به قوت خود باقی مانده است.

نکته آخر اینکه در هر محله یک شورای اجتماعی محله وجود دارد و محله پنج تن هم این شورا را دارد که اعضای آن از اقشار مختلف محله هستند. مسئولان منطقه هم در این شورا حضور دارند. شهروندان می توانند نظرهای خود را با شورای اجتماعی در میان بگذارند و این شورا به عنوان پلی میان ساکنان محلی و شهرداری، پیگیر معضلات آن ها در چار چوب قانون خواهد بود.



دو طرفه یا یک طرفه؛ مسئله این است

ورودی پنج تن دو طرفه است. هم می توان با خود رو وارد شد و هم خارج اما میزان آلوده شدن در این سال ها که نسبت به سال های گذشته بسیار شده، باعث دردسر و حتی اختلالاتی در ورودی این منطقه شده است.

«شهرداری چند سال قبل در پی این بود که ورودی پنج تن را یک طرفه کند؟»

بله. اتفاقا آمدند و حتی تابلوها را هم کاشتند اما ما چرا آن گونه ای که می خواستند، پیش نرفت و دوباره به وضعیت قبلی برگشتیم. بعضی کسبه مقاومت می کردند و معتقد بودند که فروش شان نصف خواهد شد. شاید اگر جلساتی برگزار و مسئله کمبود پارکینگ مطرح می شد، همه قبول می کردند که خیابان یک طرفه شود.

«نظر شما در این باره چیست؟»

واضح است که وقتی خیابان یک طرفه شود، جای بیشتری برای پارک کردن خودروها ایجاد می شود و مشتری می تواند با خیال راحت به فروشگاه ها مراجعه کند و خدمات بگیرد.

«شما سال ها با مردم در کبابی مواجه بوده اید، چگونه می توان تعاملی خوب با مردم داشت؟»

فقط یک راه دارد. باید به اصطلاح مشتری را «تحويل» گرفت. تحويل گرفتن یعنی خوش رفتاری و مهربانی. اگر با مردم حتی افرادی که از آن ها به عنوان بدنام برده می شود، به خوبی رفتار کنیم، خواهیم دید که رفتارشان با ما بهتر خواهد شد. اگر خوب باشیم، همه با ما خوب خواهند بود و اگر بد باشیم، دیگران هم در بد بودن، از ما کم نخواهند آورد.

شاید باورتان نشود، ولی بیشتر مشتریانم می گویند که برای ما مهم تر از کیفیت کباب های مغازه، خوش خلقی من و دیگر شاگردانم است. به شاگردانم هم آموخته ام که همیشه حق با مشتری است و باید مشتری راضی باشد و اصولا حیات هر کسبی به داشتن مشتری است؛ البته یکی دیگر از مسائل، کیفیت کباب است. من همان کبابی را دست مشتری می دهم که برای خانواده ام می برم.

«چه اتفاق جالبی در کبابی شما روی داده است؟»

آیا تا به حال عبارت ساندویچ کباب را شنیده اید؟ معمولا هر مشتری دو یا سه سیخ سفارش می دهد ولی بعضی شاگردان مغازه های اطراف یا کارکنان مرکز بهداشتی که نزدیک مغازه است، برای اینکه وقت چندانی ندارند، سفارش ساندویچ کباب می دهند. یک سیخ کباب را لای نان می پیچیم و برایشان می فرستیم و اسمش را هم گذاشته ایم «ساندویچ کباب».

«نکته آخر...»

دوست دارم مغازه ام را توسعه بدهم. چند طبقه بسازم و نمای مغازه را نونوار کنم اما شهرداری اجازه نمی دهد. می گویند این محدوده به اصطلاح در طرح «خرابی» قرار گرفته است اما سال ها است که نمی گذارند خراب کنیم و از نو بسازیم.

سابقه محله

«چند سال است که در این محدوده حضور دارید؟ بافت ساکنان آن چگونه است؟»

۲۰ سالی است که در این منطقه حضور دارم. مردم این حوالی آدم هایی خونگرم هستند. اغلب ساکنان محل از روستاهای اطراف یا حتی شهرستان های دور و نزدیک در اینجا جمع شده اند. هیچ گاه از مردم ساکن در منطقه، بدی ندیدم. مقداری از افراد ساکن هم از افغانستان آمده اند.

«از ۲۰ سال قبل چه تغییری در محله پنج تن روی داده است؟»

شیوه رفتاری و سبک زندگی مردم پیشرفت کرده است. به نظرم پیشرفت، امری قهری است. به هر حال زمانه با سرعت کم یا زیاد در حال تغییر است و از تغییر ناچاریم. نکته ای که در این بخش باید گفت، این است که مردم کماکان با وجود پیشرفت فرهنگی، در همان بافت و وضعیت قبلی زندگی می کنند و امکانات خاص و ویژه ای آن چنان که سزاوار آنان است، برایشان فراهم نشده است. از تغییرات معدودی که شاهدش هستیم، می توان به در مانگای اشاره کرد که احداث شده است. درباره بهداشت محیط هم باید بگویم که هنوز فاضلاب های خانگی و اصناف حاضر در محل به طرح اگو وصل نشده است. امیدوارم به زودی وصل شود و البته امیدوارم که نتیجه اش بهتر شود و نه بدتر.

«شما و دیگر کسبه از وضعیت اقتصادی با توجه به کاهش موجود در منطقه، رضایت دارید؟»

نه. هیچ صنفی را در هیچ نقطه از کشور در سال های اخیر نمی شناسم که از میزان درآمدشان راضی باشند. این مطلب که بدیهی است اما شاگردم و مغازه کبابی، حداقل های زندگی ام را تامین می کند.

«چند شاگرد دارید؟ به آن ها فوت و فن کار را هم می آموزید؟»

الان شش شاگرد دارم. اگر از من راضی باشند، من هم راضی هستم. تا به حال ۱۲ شاگرد داشته ام. سعی کردم همه نکاتی را که در کارم آموخته ام، به آن ها منتقل کنم. دوست دارم همه شان مستقل و نه شاگرد بلکه استادکار بشوند. یکی از شاگردانم چند سالی است مستقل شده است و برای خودش آشپزخانه ای راه انداخته و کاروبارش از من هم که استاد سابقش بودم، بهتر شده است. چند نفری از آن ها هم در دیگر مغازه های شهر مشغول هستند و خوشبختانه در صنف خودمان، همه از آن ها تعریف می کنند. امیدوارم همه شاگردانم روزی مستقل شوند و اوضاع مالی شان خوب شود.